

سنجش نگرش متخصصان تهیه و تدوین مطالب درسی به مقوله آموزش زیست‌محیطی در برنامه جدید آموزش زبان انگلیسی در ایران: یک مطالعه کیفی

© دکتر حسین داوری^۱ © دکتر ابوطالب ایرانمهر^۲ © دکتر آیلین فیروزیان پوراصفهان^۳

چکیده:

متأثر از تحولات چشمگیر در روند تهیه و تدوین کتابهای آموزش زبان، در سالهای اخیر چه در بعد نظری و چه در عمل شاهد توجهی گسترده به مقوله آموزش زیست‌محیطی در تهیه و تدوین کتابهای آموزش زبان انگلیسی بوده‌ایم. گرچه پشتوانه نظری و منطق بهره‌گیری این دسته از آثار درباره این رویکرد با تفاوت‌هایی همراه بوده است، اما غالب آنها بر این نکته اتفاق نظر دارند که آموزش زبان انگلیسی به‌منزله زبانی بین‌المللی، نه صرفاً یک فعالیت آموزشی بلکه توأمان فعالیتی اجتماعی است. با توجه به اهمیت این موضوع از یک‌سو و نیز توجه دیر هنگام اما نویدبخش به این مقوله در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در نظام آموزش و پرورش ایران، در این مقاله تلاش شده است تا به شیوه‌ای کیفی به سنجش نگرش شماری از متخصصان حوزه تهیه و تدوین کتابهای درسی به جایگاه و اهمیت این رویکرد و نیز مشخصاً دیدگاه آنها نسبت به بازتاب این رویکرد در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم پرداخته شود. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های پژوهش بیانگر آن است که با وجود برخی اختلاف‌نظرها درباره منطق بهره‌گیری از این رویکرد، از منظر این متخصصان توجه به آموزش زیست‌محیطی جایگاهی قابل توجه در تهیه و تدوین کتابهای آموزش زبان انگلیسی دارد؛ رویکردی که علاوه بر تقویت مهارت‌های زبانی، به تقویت تفکر انتقادی، فعالیت گروهی و رشد اجتماعی فراگیران یاری می‌رساند. همچنین یافته‌ها مبین نگرش مثبت متخصصان به گنجاندن آموزش زیست‌محیطی در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی و البته ارائه پیشنهادهایی در راستای ارائه مطلوب‌تر آن بوده است.

کلید واژگان: آموزش زیست‌محیطی، تهیه و تدوین کتابهای درسی، آموزش زبان انگلیسی، نگرش، آموزش انتقادی

☑ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۴

☑ تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۵

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران. h.davari@du.ac.ir
۲. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. airanmehr@shahroodut.ac.ir
۳. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران. a.firoozian@du.ac.ir

مقدمه

در دهه ۱۹۹۰ میلادی و متأثر از ورود رویکردهای مسئولانه اجتماعی^۱ و در رأس آن رویکرد آموزش انتقادی^۲ به حوزه آموزش زبان انگلیسی، شاهد تلفیق بارز آموزش زیست‌محیطی^۳ و آموزش زبان انگلیسی بودیم. این جریان که ابتدا عمدتاً در پی بررسی میزان توجه کتابهای آموزش این زبان به مقوله آموزش زیست‌محیطی و مؤلفه‌ها و ابعاد آن بود، در سالهای اخیر به طرح مبانی روش‌شناختی در بهره‌گیری از این مقوله در طراحی برنامه درسی، تهیه و تدوین کتابهای آموزشی و شیوه‌ارائه و آموزش آن در کلاس درس پرداخته است.

متأثر از طرح این رویکرد بوده است که شاهد تحولاتی جدی از نظر گزینش محتوا و روش تدریس این مؤلفه در برنامه آموزش زبان انگلیسی و مشخصاً در روند تهیه و تدوین منابع آموزشی بوده‌ایم؛ تحولاتی که نه تنها بازنمود آن را در عمل می‌توان در شماری قابل توجه از کتابهای نوظهور در حوزه آموزش زبان انگلیسی در عرصه بین‌المللی یافت، بلکه شاهد ارائه نظریه‌پردازی‌هایی متعدد نیز در این زمینه بوده‌ایم.

با توجه به جایگاه نوظهور این رویکرد در برنامه آموزش زبان انگلیسی در عرصه جهانی و البته ورود دیرهنگام اما امیدبخش آن به برنامه رسمی آموزش زبان انگلیسی در ایران، در این مقاله ضمن معرفی این رویکرد و همچنین بررسی بازتاب آن در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم در نظام رسمی آموزش و پرورش، به شیوه‌ای کیفی به سنجش نگرش شماری از معلمان زبان انگلیسی در این باره پرداخته شده است.

بیان مسئله و اهمیت پژوهش

در بیش از دو دهه گذشته متأثر از تحولاتی قابل توجه در حوزه آموزش زبان انگلیسی، توأمان شاهد به چالش کشیده شدن شماری از مبانی رویکردهای غالب در حوزه آموزش زبان انگلیسی (جانسون^۴، ۲۰۱۱) در کنار طرح رویکردهای انتقادی و در رأس آن آموزش انتقادی (کوماروادیلوه^۵، ۲۰۱۲) در این عرصه بوده‌ایم. از منظر رویکرد آموزش انتقادی، آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبانی فراگیر در عرصه جهانی نه یک عمل آموزشی صرف، بلکه رفتاری اجتماعی است که هدف از آن نه فقط تربیت کاربران زبان انگلیسی، بلکه تربیت فراگیرانی مسئولیت‌پذیر و شهروندانی آگاه در قبال دنیای پیرامونشان است. در این میان در کنار طرح برخی مؤلفه‌ها و مبانی درمورد بهره‌گیری از آموزش انتقادی در برنامه آموزش زبان انگلیسی، شاهد توجهی ویژه به مقوله آموزش زیست‌محیطی بوده‌ایم؛ مقوله‌ای که در آن به

1. Socially responsible approaches
2. Critical pedagogy
3. Environmental education
4. Johnson
5. Kumaravadivelu

استناد جاکوبز^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، در کنار آموزش زبان، فراگیران به شکلی آموزش می‌بینند تا بتوانند با مسائل و دغدغه‌های زیست محیطی آشنا شوند، از ابعاد آن آگاه شوند، در حل آنها مشارکت کنند، در راستای زندگی بهتر تصمیم‌هایی آگاهانه و مسئولانه بگیرند و البته در این مسیر گام‌هایی عملی بردارند. با وجود این تحولات در عرصه جهانی، بررسی‌ها بیانگر آن است که تا پیش از اجرای برنامه جدید آموزش زبان انگلیسی در نظام رسمی، این رویکرد در کتابهای آموزشی این زبان هیچ نمودی نداشته است. در پی این تغییر برنامه بود که به‌ویژه در کتابهای دوره دوم متوسطه که در سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ برای سه پایه دهم، یازدهم و دوازدهم تدوین شده است، شاهد طرح پرننگ آن هستیم.

حال از سویی با توجه به اهمیت موضوع محیط زیست در اسناد بالادستی آموزش و پرورش همچون «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند برنامه درسی ملی» و از سویی دیگر نظر به اهمیت نقش، نگرش و بینش متخصصان حوزه آموزش زبان انگلیسی در تدوین و ارزیابی هر برنامه درسی، در این مقاله نویسندگان بر آن بوده‌اند تا علاوه بر بررسی نگرش شماری از متخصصان حوزه تهیه و تدوین کتابهای درسی در زمینه مقوله آموزش زیست محیطی، به سنجش نوع نگاه آنها به این رویکرد و نظر آنها درباره ورود آن به کتابهای درسی بپردازند. در بیان اهمیت چنین پژوهشی، بیان این موارد می‌تواند مفید و راهگشا باشد:

الف) مقوله احترام به محیط زیست و حفظ آن موضوعی است که به اشکال گوناگون در اسناد بالادستی آموزش و پرورش به صراحت آمده است. به‌عنوان نمونه، در بخشهای گوناگون سند برنامه درسی ملی مصوب سال ۱۳۹۱ بر این موضوع تأکید شده است. مثلاً در بخش «عمل» برنامه درسی، از ضرورت آموزش با هدف «حفظ و تعادل محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی» (ص ۱۸)؛ در بخش «اخلاق» برنامه درسی، از ضرورت «ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست» (ص ۱۹) و در بخش مبانی ارزش‌شناختی برنامه درسی و ذیل عنوان ارزشهای مربوط به خلقت، به این موارد اشاره شده است: موازین اخلاقی و معنوی در ارتباط با طبیعت و محیط زیست؛ احساس مسئولیت در برابر پدیده‌ها خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان، جانوران (اعم از خشکی و دریا) و حفظ تعادل در آب و هوا؛ کمک به حفاظت و توسعه زیست‌بوم شهری، روستایی و محیط طبیعی در جهت بقا و ارتقای کیفیت محیط و توسعه پایدار (حفظ رودها، دریاچه‌ها، جنگلها، تالابها، زیستگاههای حیات وحش، غارها، چشم‌اندازهای طبیعی و اکوسیستمهای دریایی) (صص ۶۱-۶۲). بی‌تردید طرح این‌گونه مفاهیم و دستورات عملی در برنامه‌ای از این دست در راستای آموزش زیست محیطی و اهمیت آن در نظام آموزشی قابل تعبیر است.

ب) با وجود اهمیت جایگاه برنامه آموزش زیست محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی در پژوهشهای خارجی و به تبع آن تجلی آن در منابع آموزشی در دهه‌های اخیر، به دلیل طرح

1. Jacobs

دیر هنگام آن در منابع آموزشی جدید داخلی، شاهد بررسی این موضوع به نحوی نظام مند و علمی در پژوهشهای داخلی نبوده ایم. بنابراین پژوهشی از این دست می تواند اهمیت موضوع را چه در مقام نظر و چه در مقام عمل برجسته بنماید.

ج) با توجه به اهمیت جایگاه تهیه و تدوین و نیز ارزیابی منابع آموزشی، این پژوهش می تواند از منظری جدید و البته متفاوت به ارزیابی کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی بپردازد.

د) نظر به اهمیت دیدگاههای متخصصان حوزه تهیه و تدوین مطالب درسی در هر برنامه آموزشی، بررسی نگرش و بینش آنها نسبت به این موضوع می تواند برنامه ریزان و مؤلفان کتابهای درسی را با دیدگاههایی تخصصی تر در ارزیابی این دسته از آثار آشنا سازد.

حال با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله ابتدا به این پرسش پرداخته می شود که نگرش متخصصان حوزه تهیه و تدوین منابع آموزشی به طرح آموزش زیست محیطی به مثابه مؤلفه های اجتماعی در کتابهای آموزش زبان انگلیسی چیست؟ و دوم آنکه، با توجه به طرح موضوعات زیست محیطی در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در ایران، نظر متخصصان درباره بهره گیری از این رویکرد در این کتابها چیست؟

در این پژوهش، اهدافی چند متصور بوده است که می توان اولاً به بررسی میزان توجه مؤلفان کتابهای آموزش زبان انگلیسی به یکی از محورهای مورد نظر اسناد بالادستی یعنی آموزش زیست محیطی پرداخت. دوم آنکه با سنجش نگرش متخصصان تهیه و تدوین کتابهای درسی نسبت به این موضوع، زمینه طرح علمی یکی از رویکردهای مهم در حوزه آموزش زبان انگلیسی یعنی توجه به موضوعات مسئولانه اجتماعی فراهم می آید که از جمله نموده های بارز آن آموزش زیست محیطی است. سوم آنکه در سایه نگاه ارزیابانه متخصصان حوزه تهیه و تدوین منابع آموزشی و بهره گیری از دیدگاههای تخصصی آنها در این حوزه، برنامه ریزان این حوزه و مؤلفان می توانند ضمن ارزیابی کتابهای نونگاشت، در مسیر اصلاح و تقویت بخشهای مرتبط با این موضوع گام بردارند.

شایان ذکر است گرچه این موضوع در پژوهشهای خارجی با انتشار شماری قابل توجه از آثار همراه بوده - که در بخش مبانی نظری به معرفی شماری از آنها پرداخته شده است - اما بررسی موضوع در آثار داخلی بیانگر کم توجهی بدان بوده است. در این زمینه می توان به زرین شجاع (۲۰۱۲) اشاره کرد که به منطق و ضرورت توجه به آموزش زیست محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی پرداخته است.

■ مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر به معرفی آموزش زیست محیطی، مؤلفه ها و مبانی آن و نسبت آن با برنامه آموزش زبان انگلیسی اختصاص یافته است.

● آموزش زیست محیطی

در سال ۱۹۷۵ میلادی و در پی شتاب گرفتن دنیای صنعتی و افزایش آسیبهای زیست محیطی، سازمان ملل متحد برنامه‌ای با عنوان «برنامه بین‌المللی آموزش زیست محیطی»^۱ را که در حال حاضر با عنوان «برنامه محیط زیست سازمان ملل»^۲ شناخته می‌شود، تصویب و عملیاتی نمود. این برنامه شش هدف را معرفی کرده است. این اهداف ششگانه به استناد جاکوبز و همکاران (۲۰۰۶) عبارت‌اند از:

الف) آگاهی:^۳ ایجاد هوشیاری و خلق حساسیت در افراد و گروههای اجتماعی در قبال محیط زیست و مشکلات آن. به‌عنوان نمونه، افراد و یا گروههای مطلع وظیفه دارند تا با اطلاع از یک مشکل زیست محیطی، دیگران را نیز از آن آگاه کنند.

ب) دانش:^۴ این هدف متضمن کسب دانش اولیه از مقوله محیط زیست و مشکلات آن و نیز نقش و حضور مسئولانه افراد و گروههای اجتماعی در قبال آن است. مثلاً در کلاس درس برای آموزش یک مهارت همچون مهارت شنیداری یا خواندن، می‌توان متنی را انتخاب کرد که اطلاعات اولیه درباره یک رویداد زیست محیطی همچون آلودگی هوا را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.

ج) نگرش:^۵ این هدف دربرگیرنده کمک به افراد و گروههای اجتماعی با هدف کسب ارزشهای اجتماعی و احساس نگرانی در قبال محیط زیست و نیز خلق انگیزه در راستای مشارکت فعالانه افراد در حفظ و بهبود شرایط زیست محیطی است. مثلاً، تهیه یک گزارش یا یک آهنگ درباره گونه‌های در معرض خطر می‌تواند دانش‌آموزان را نسبت به مراقبت و حفاظت از این موجودات تشویق کند.

د) مهارت:^۶ نیل به این هدف در گرو آموزش افراد و گروههای اجتماعی در راستای کسب مهارت برای حل مشکلات زیست محیطی است. این مهارتها می‌توانند مهارتهای علمی و فنی و نیز اساساً مهارتهای زبانی باشند. مثلاً، دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از تواناییهای زبانی خود به تهیه جزوه و بروشورهای آگاهی‌بخش درباره خطرات زیست محیطی همچون آلودگی هوا یا تهیه نامه‌هایی تأثیرگذار به سازمانها و دستگاههای دولتی مبادرت ورزند. همچنین تقویت مهارت گفتاری آنها در این بخش می‌تواند آنها را به افرادی فعال در راستای قانع ساختن دیگران در راستای حل مشکلات زیست محیطی یاری رساند.

ه) توانایی ارزیابی:^۷ کمک به افراد و گروههای اجتماعی با هدف کسب توانایی برای ارزیابی اقدامات زیست محیطی و برنامه‌های آموزشی از منظر عوامل بوم‌شناختی، سیاسی، اقتصادی،

1. International Environment Education Program
2. United Nations Environment Program
3. Awareness
4. Knowledge
5. Attitude
6. Skill
7. Evaluation ability

اجتماعی، زیبایی‌شناختی و ... این هدف را شکل می‌دهد. به بیان روشن‌تر، با آنکه بسیاری از افراد به این نکته قائل‌اند که باید برای حفظ محیط زیست کاری انجام دهیم، اما بر سر نوع این کار اتفاق نظر ندارند. مثلاً، دانش‌آموزان با استفاده از مهارت استدلال و دانش کافی باید به این درک و توانایی برسند که چه اقداماتی یا محصولاتی برای محیط زیست مفید و چه مواردی غیرضروری یا آسیب‌آفرین است. یادآوری می‌شود که این هدف در طبقه‌بندی جدید ذیل اهداف دیگر قرار گرفته است.

(و مشارکت^۱: کمک به افراد و گروه‌های اجتماعی به منظور تقویت نوعی حس مسئولیت و درک ضرورت موضوع مشکلات زیست‌محیطی با هدف انجام دادن اقدام مناسب در راستای حل مشکلات، شکل‌دهنده این هدف است. در اهمیت این هدف همین بس که تحقق‌پذیری برنامه زیست‌محیطی بدون دستیابی به این هدف به فرجام نمی‌رسد.

● آموزش زیست‌محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی

تلفیق آموزش زیست‌محیطی و آموزش زبان انگلیسی، برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ میلادی در آثاری چون دانلن^۲ (۱۹۹۶)، جاکویز و همکاران (۱۹۹۸) و جاکویز و گوتلی^۳ (۲۰۰۰) مطرح شده است. مثلاً، جاکویز و گوتلی (۲۰۰۰) با بررسی شماری از کتابهای آموزش زبان انگلیسی، به مطالعه میزان توجه محتوایی و نیز میزان بهره‌گیری از اهداف ششگانه آموزش زیست‌محیطی پرداخته‌اند، اما در زمینه مبانی روش‌شناختی بهره‌گیری از این محتوا در کتابهای آموزشی شاهد طرح آن از دیدگاههای مختلف بوده‌ایم. در این بخش، مهم‌ترین دیدگاهها معرفی می‌شوند تا اهمیت توجه به این مقوله در آموزش زبان انگلیسی بیش از پیش آشکار شود.

● آموزش محتوا‌بنیاد و آموزش زیست‌محیطی

آموزش محتوا‌بنیاد^۴ یا شیوهٔ موسوم به یادگیری آمیخته زبان و محتوا^۵ را می‌توان نخستین رویکردی برشمرد که به آموزش زیست‌محیطی به مثابهٔ نوعی محتوای جدید در نظام آموزشی زبان توجه داشته است. این رویکرد که ظهور آن به سال ۱۹۸۹ میلادی بازمی‌گردد (برینتون^۶ و همکاران، ۱۹۸۹) اولویت را به محتوا می‌دهد تا زبان. در واقع در این رویکرد، زبان وسیله‌ای است تا فراگیران ضمن استفاده از آن دربارهٔ موضوعی جدید آگاهی یابند. از امتیازهای این رویکرد می‌توان به جذاب‌تر شدن آموزش، افزایش دانش زبان‌آموزان از دنیای پیرامون خود، آشنایی با منابع اطلاعاتی

1. Participation
2. Donlon
3. Goatly
4. Content-based instruction
5. Content and language integrated learning methodology
6. Brinton

گونگون و ... اشاره کرد (گورسوی و سگلام، ۲۰۱۱).

با توجه به ماهیت این نوع آموزش و اولویت بخشیدن به محتوا بوده که برای نخستین بار استفاده از مقوله آموزش زیست‌محیطی به‌منزله نوعی محتوا در آموزش زبان انگلیسی مطرح و به کار گرفته شده است (کیتس^۲، ۱۹۹۰). متأثر از این نوع نگاه شاهد انتشار کتابهایی آموزشی بوده‌ایم که حتی کل محتوای آن به آموزش زیست‌محیطی اختصاص یافته است.

● آموزش جهانی و آموزش زیست‌محیطی

آموزش جهانی^۳ رویکردی نسبتاً جدید در حوزه تعلیم و تربیت است که هدف آن فراهم‌ساختن شرایطی است که دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندانی جهانی با کسب چنین آموزشی، بتوانند دانش، مهارت و مسئولیت لازم را برای حل مشکلات و معضلات جهانی به‌دست آورند (کیتس، ۱۹۹۰). این نوع آموزش دربرگیرنده گستره‌ای قابل توجه از موضوعاتی است که به‌طور مشخص در چهار طبقه می‌گنجند:

۱. آموزش صلح^۴: آموزش در راستای کاهش خشونت در عرصه‌های داخلی و خارجی

۲. آموزش توسعه^۵: آموزش یافتن راه‌حلهای پایدار برای غلبه بر فقر

۳. آموزش حقوق بشر^۶: آموزش پرهیز از تبعیض و بی‌عدالتی و احترام به حقوق انسانها

۴. آموزش زیست‌محیطی: آموزش حفاظت از طبیعت و درک ارزشهای آن

با توجه به ماهیت صریح طبقه چهارم که بر رویکرد آموزش زیست‌محیطی تأکید ورزیده است، شاهد آن بوده‌ایم که حامیان دیدگاه آموزش جهانی در تهیه و تدوین برنامه‌های آموزش زبان، تأکیدی ویژه به آموزش زیست‌محیطی دارند. محورهای طبقه چهارم همانا اهداف ششگانه آموزش زیست‌محیطی بوده است (جاکوبز و کیتس، ۱۹۹۹). از این رو این رویکرد با انتشار منابعی آموزشی در قالب رویکرد آموزش جهانی و با اختصاص دادن بخشهایی قابل توجه به مقوله آموزش زیست‌محیطی همراه بوده است. نمونه بارز این رویکرد را در آثاری چون سمپدرو و هیلپارد^۷ (۲۰۰۴)، توماس^۸ (۲۰۰۸)، تمپلر^۹ (۲۰۱۲)، دیاز-پرز^{۱۰} (۲۰۱۳) و میلی و پیچی^{۱۱} (۲۰۱۷) می‌توان یافت.

1. Gürsoy & Saglam
2. Cates
3. Global education
4. Peace education
5. Development education
6. Human rights education
7. Sampedro & Hillyard
8. Thomas
9. Templer
10. Díaz-Pérez
11. Maley & Peachey

● آموزش انتقادی و آموزش زیست‌محیطی

آموزش انتقادی در حوزه آموزش زبان انگلیسی با نقد مبنایی و مؤلفه‌های آموزش جریان غالب، به ارائه پیشنهادهایی عملی در راستای تدوین برنامه آموزش این زبان پرداخته است. با توجه به ماهیت این نوع آموزش یعنی آموزش زبان در کنار تربیت اجتماعی زبان‌آموزان، شاهد ارائه پیشنهادهایی همچون استفاده از فرهنگ جامعه زبان‌آموزان، توجه به مسائل داخلی، توجه به مسائل جهانی و ... بوده‌ایم که در این میان مسائل زیست‌محیطی چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی می‌تواند موضوعاتی پررنگ باشد. در مورد اهمیت بخشیدن به موضوعات داخلی در این رویکرد، به استناد اکبری (۲۰۰۸) این مسائل می‌تواند به نقطه آغازی در روند آموزش زبان انگلیسی تبدیل شود، چراکه به باور وی، وجود برخی دغدغه‌ها و موضوعات موجود در جامعه فراگیران به دلیل ملموس و مهم بودن، می‌تواند به جایگزینی برای موضوعاتی تبدیل شود که به دلیل ماهیت خنثی کتابهای مطرح موجود، ارتباط چندانی با زندگی افراد ندارند. درباره اهمیت بخشیدن به موضوعات جهانی نیز، سمپدرو و هیلارد (۲۰۰۴) در این باره به این نکته اشاره می‌کنند که مسائل جهانی دیگر نه دوردست که در بطن زندگی یکایک ما حضور دارند، از این رو دیگر نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. رویکرد آموزش انتقادی نیز به این موضوعات توجهی ویژه دارد. از منظری دیگر، به استناد تسودا^۱ (۲۰۰۶) برای آنکه فراگیران زبان انگلیسی بتوانند به کاربران کارآمد این زبان تبدیل شوند، باید از مسائل و موضوعات مطرح جهان آگاهی کافی داشته باشند. وی در این باره صریحاً به موضوع حفاظت از محیط‌زیست به‌منزله یکی از شاخص‌ترین موضوعات جهانی اشاره می‌کند که باید به‌عنوان موضوعی مناسب در کتابهای درسی و بحثهای کلاسی وارد شود (داوری و آقاگل‌زاده، ۱۳۹۳).

● برنامه آموزش زبان انگلیسی و توسعه پایدار

ظهور رویکرد آموزش برای پایداری^۲ در آغاز هزاره جدید با به چالش کشیدن شماری از باورهای رایج در حوزه آموزش همراه بوده است، باورهایی که در آن عمدتاً فراگیران به شکل افرادی منفعل دیده می‌شدند (بارتلت^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). این رویکرد که تربیت فراگیرانی فعال و تأثیرگذار در جامعه را دنبال می‌کند (استرلینگ^۴، ۲۰۰۱) به جای انتقال صرف دانش هدفمند به فراگیران منفعل، در پی آموزش و تقویت نوعی توانایی انتقادی و روشنگرانه در قالب آموزش توانایی تفکر انتقادی، حل خلاقانه مشکل و تعهد به رعایت عدالت و نیز احترام به دیگران و نیز ارائه مهارت‌های لازم در راستای محافظت از طبیعت و استفاده منصفانه از منابع آن با هدف داشتن جامعه‌ای پایدار برای آیندگان بوده است. با توجه به جایگاه و گسترش روزافزون زبان انگلیسی، شاهد پیوند این نوع آموزش در برنامه آموزش

1. Tsuda
2. Education for Sustainability
3. Bartlett
4. Sterling

زبان انگلیسی بوده‌ایم. در این نوع آموزش توسعه‌مدار که لازمه آن توجه به دنیای بیرون و جامعه بشری است، مسائل و موضوعات زیست‌محیطی از اهمیتی ویژه برخوردارند. همچنین در این نوع آموزش که نگاهی کلنگرانه، منسجم و بینارشته‌ای دارد، رشد دانش، افزایش حساسیت و تقویت مهارت‌های موردنیاز برای خلق آینده‌ای پایدار مورد تأکید است (لایشت^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

روش پژوهش

در این پژوهش به شیوه‌ای کیفی، نگرش متخصصان تهیه و تدوین مطالب درسی به مقوله آموزش زیست‌محیطی و مشخصاً تجلی آن در کتاب‌های نونگاشت زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه، مورد سنجش قرار گرفته است. با هدف افزایش روایی یا اعتبار پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این روش متداول، نمونه‌ها یا مشارکت‌کنندگان در مصاحبه از نظر مسئله و اهداف پژوهش از میان افراد متخصص و غنی انتخاب می‌شوند، به استناد راثو هیل و پری^۲ (۲۰۰۳)، استفاده از این روش نمونه‌گیری که مستلزم انتخاب مشارکت‌کنندگان متخصص بر پایه معیارهایی مناسب است، هم افزایش اعتبار درونی^۳ یا آن چیزی را که در پژوهش‌های کیفی از آن به عنوان اعتبارپذیری یاد می‌شود، به همراه دارد و هم اعتبار بیرونی^۴ یا همان انتقال‌پذیری پژوهش را تضمین می‌کند.

در ادامه معیارهایی با هدف انتخاب متخصصان خبره تعیین شد. به استناد لوکامپت^۵ و همکاران (۱۹۹۳)، در این مرحله ابتدا فهرستی از ویژگی‌های موردنظر تعیین می‌شوند، سپس پژوهشگران نمونه‌های متناسب با معیارها را به‌نحوی هدفمند جستجو و انتخاب می‌کنند. در این پژوهش معیارهای مدنظر عبارت بودند از: الف) داشتن دکتری در حوزه آموزش زبان انگلیسی/ زبان‌شناسی کاربردی؛ ب) داشتن تخصص و تجربه در حوزه تهیه و تدوین منابع آموزشی؛ ج) آشنا بودن با روند آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش و پرورش.

بدین منظور بر اساس معیارهای تعیین‌شده در روند گردآوری داده‌ها، در چند مرحله مجموعاً از یازده متخصص این حوزه دعوت به مصاحبه شد که شش نفر پذیرای شرکت در مصاحبه شدند. با توجه به اینکه در این مرحله اشباع نظری^۶ یا کفایت مراجع حاصل آمد، روند گردآوری داده‌ها متوقف و تحلیل یافته‌ها پیگیری شد. شایان ذکر است که علاوه بر مرحله تحلیل یافته‌ها، در روند گردآوری داده‌ها و با هدف افزایش روایی، به‌ویژه روایی درونی، داده‌های هر مصاحبه بر اساس دستورالعمل ارنست^۷ (۲۰۰۳)، با پیشینه نظری موجود مطابقت داده شدند. با هدف افزایش پایایی نیز، با بهره‌جویی از پیشنهاد‌های

1. Leicht
2. Rao Hill & Perry
3. Internal validity
4. External validity
5. LeCompte
6. Theoretical saturation
7. Ernst

چهارگانه راثو هیل و پری (۲۰۰۳)، تلاش شد تا در مراحل مختلف گردآوری داده‌ها یعنی در روند اجرا و ارزیابی مصاحبه‌ها، یا به تعبیری هدایت دقیق جریان مصاحبه و نیز در مرحله ثبت و تفسیر داده‌ها، گام به گام سه پژوهشگر حاضر در این پژوهش به بررسی نظرات پردازند.

در این پژوهش، با بهره‌جویی از دستورالعمل‌های ارائه‌شده درباره نحوه طراحی و اجرای مصاحبه کیفی (دورنیه^۱، ۲۰۰۷؛ روبین و روبین^۲، ۲۰۰۵) مصاحبه‌ها به نحوی نیمه‌ساختارمند حول چند پرسش اصلی و چندین پرسش فرعی که معمولاً در این دسته از مصاحبه‌ها از سوی مصاحبه‌کننده و شرکت‌کننده مطرح می‌شود، انجام شد. پرسشها که پیش از اجرا با یکی از متخصصان این حوزه از نظر اعتبار و با هدف تقویت روایی سنجیده شده بودند، این‌گونه قابل‌ارائه‌اند:

(الف) در سالهای اخیر شاهد توجه به موضوعات زیست‌محیطی در کتابهای آموزش زبان هستیم. پستوانه‌های نظری این رویکرد و یا به تعبیری منطق بهره‌گیری از آن چیست؟

(ب) بهره‌گیری از آموزش زیست‌محیطی به‌عنوان بخشی از برنامه آموزش زبان چه نکات مثبتی را در بردارد؟

(ج) برخی از صاحب‌نظران نگاهی منتقدانه به چنین رویکردی دارند. این نگاه ریشه در چه دارد؟
(د) همانطور که می‌دانید در کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی به‌خلاف کتابهای پیشین شاهد توجه به موضوعاتی چون محیط‌زیست هستیم. ارزیابی شما از ورود به این مسائل چیست؟ میزان تحقق این رویکرد را در این کتابهای نونگاشت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

(ه) در انتخاب این نوع آموزش، اولویت را به موضوعات و مسائل زیست‌محیطی داخلی می‌دهید یا خارجی؟

(و) با توجه به معیارهای آموزش زیست‌محیطی، نقاط قوت و ضعف آن چیست؟

شایان ذکر است که مصاحبه‌ها با رعایت اصول اخلاقی، در بازه زمانی مهر و آبان ۱۳۹۷ انجام شده‌اند و هر مصاحبه چهل تا پنجاه دقیقه به طول انجامیده است. در زمان هماهنگی مصاحبه‌ها، به موضوع آن یعنی جایگاه آموزش زیست‌محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی، به‌ویژه در تهیه و تدوین کتابهای درسی اشاره شد تا شرکت‌کنندگان با آمادگی مناسب‌تر در مصاحبه‌ها شرکت نمایند. شرکت‌کنندگان شامل چهار متخصص مرد و دو متخصص زن ۳۹ تا ۵۱ ساله بودند که همه آنها معیارهای تعیین‌شده را دارا بودند.

1. Dörnyei

2. Rubin, H. J. & Rubin, I. S.

یافته‌ها

با بهره‌گیری از تحلیل موضوعی^۱ متناسب با پرسشهای مطرح‌شده در مصاحبه، به‌طور مشخص در پنج موضوع به بررسی و تحلیل یافته‌ها پرداخته شد. شایان ذکر است که در تحلیل موضوعی که به‌منزله^۲ یکی از رایج‌ترین و معتبرترین شیوه‌های تحلیل در پژوهشهای کیفی به شمار می‌آیند، تشخیص، تحلیل و تفسیر داده‌ها بر پایه الگوهای موضوعی پیگیری می‌شوند. در این شیوه پس از کدگذاری داده‌ها، مقوله‌های اصلی انتخاب و موضوعات شکل می‌گیرند (گست^۳ و همکاران، ۲۰۱۲؛ گیبز^۴، ۲۰۱۸). در ادامه به اجمال به توصیف و تحلیل یافته‌های پژوهش که بر اساس تحلیل موضوعی استقرایی^۴ صورت گرفته، پرداخته شده است. شایان ذکر است که با هدف نشان دادن نحوه تحلیل موضوعی داده‌ها در این پژوهش، در پیوست نمونه‌ای از روند کدگذاری، مقوله‌بندی و رسیدن به موضوعات اصلی بر پایه داده‌های حاصل از مصاحبه آورده شده است (ر.ک. پیوست ۱).

الف) در زمینه پرسش اول که به پشتوانه نظری بهره‌گیری از رویکرد آموزش زیست‌محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی اشاره داشت، پاسخها حول سه موضوع اصلی (آموزش انتقادی، آموزش جهانی و آموزش محتوای‌بنیاد) قابل طبقه‌بندی بوده‌اند.

۱) آموزش انتقادی: از دید سه تن از متخصصان (۲، ۵ و ۶)، دلیل اصلی بهره‌گیری از آموزش زیست‌محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی، تأثیرپذیری این جریان از رویکرد آموزش انتقادی بوده است. در این رویکرد، همان‌گونه که اشاره شد، آموزش زبان توأمان فعالیتی اجتماعی نیز هست که رشد زبانی در کنار آگاهی اجتماعی فراگیران موردنظر است. در این مورد در دیدگاههای ارائه‌شده این‌گونه می‌خوانیم: برای این موضوع می‌توان دلایل متعدد برشمرد، اما به نظر من بیشترین نقش را در رویکردهای انتقادی می‌توان جست، یعنی بهتر است بگویم آموزش انتقادی؛ آموزشی که در کنار رشد زبانی، رشد اجتماعی افراد در آن یک اصل است. در این رویکرد از مسائل و موضوعات خنثی پرهیز می‌شود و موضوعات اجتماعی و عینی و بحث‌برانگیز در اولویت است (متخصص شماره ۲).

۲) آموزش جهانی: از منظر دو نفر از متخصصان (۱ و ۳) توجه به این نوع آموزش بیشتر ریشه در آموزش جهانی دارد. در این رویکرد، تربیت شهروندانی جهانی که بتوانند با آگاهی و حساسیت از مسائل و مشکلات جهانی بکهند، به‌منزله^۲ یک آرمان به‌شمار می‌آید. در این باره می‌خوانیم: ریشه این موضوع را باید در رویکردی یافت که با عنوان آموزش جهانی شناخته می‌شود. یکی از مؤلفه‌های این آموزش، آموزش زیست‌محیطی است. دیگر مؤلفه‌های آن آموزش صلح و توسعه است. این نوع آموزش در برخی کتابهای آموزشی نمود دارد (متخصص شماره ۱).

1. Thematic analysis
2. Guest
3. Gibbs
4. Inductive

۳) آموزش محتوا بنیاد: یکی از متخصصان (۴) فارغ از پذیرش نگاه انتقادی این نوع مطالب، استفاده از این موضوعات را به رویکرد آموزش محتوا بنیاد نسبت داده است. در این باره می‌خوانیم:

در رویکرد محتوا بنیاد که شمار قابل توجهی از کتابهای امروزی بر اساس آن تألیف شده‌اند، محتوا بر صورت اولویت دارد. پس انتخاب محتوایی جذاب به‌ویژه موضوعات جذابی چون طبیعت و محیط زیست در این کتابها پررنگ می‌شود (متخصص شماره ۴).

یافته‌های حاصل از این پرسش بیانگر آن است که سه موضع کلی در زمینه آموزش زیست محیطی در آموزش زبان انگلیسی در دیدگاههای متخصصان ایرانی این حوزه قابل مشاهده است. در این میان غلبه دیدگاه انتقادی در این زمینه در راستای یافته‌های داوری و همکاران (۱۳۹۷) و داوری و ایرانمهر (۲۰۱۹) قابل تعبیر است. البته با وجود تفاوت در منطق بهره‌گیری از این رویکرد، نکته مهم آن است که هر شش متخصص برای این موضوع جایگاهی منطقی قائل بوده‌اند.

ب) در مورد پرسش دوم که به نکات مثبت و مزایای این رویکرد اشاره داشت، در مجموع پاسخها مؤید نکات مثبت آن از دو منظر رشد زبانی و رشد اجتماعی بوده است. مهم‌ترین فواید این نوع آموزش به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱) آگاهی‌بخشی: هر شش متخصص به این نکته اشاره کردند که از مهم‌ترین امتیازهای این نوع آموزش، ایجاد اطلاع و آگاهی در فراگیران از واقعیات دنیای امروز است که می‌تواند به تقویت هوشیاری و حساسیت در آنها دامن بزند.

شاید یکی از مهم‌ترین فواید توجه به موضوعات مرتبط با طبیعت و محیط زیست نوعی ارتباط افراد با محیط اطراف یا آگاهی آنها نسبت به مسائل پیرامونشان است؛ مسائلی که به آنها نیاز داریم اما بعضاً بی‌توجهیم. حتماً برای اینکه اقدامی برای طبیعت انجام دهیم نیاز داریم نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. یکی از جاهایی که می‌توان آگاهی داد، همین کتابهای درسی است (متخصص شماره ۱).

۲) ایجاد علاقه: با توجه به ماهیت این دسته از موضوعات که ذاتاً برای انسان ایجاد انگیزه و علاقه می‌کند، شاهد آن بودیم که پنج تن از متخصصان به این موضوع اشاره کردند.

از جمله تحولات در عرصه آموزش زبان فراتر رفتن از مرزهای کلاس درس است یعنی ارتباط فراگیران با دنیای بیرون. یکی از راههای تحقق این موضوع توجه به مسائل اجتماعی است که از آن جمله می‌توان به مسائل و مشکلات زیست محیطی اشاره کرد. در کنار ایجاد حساسیت در فراگیران نوعی علاقه و انگیزه در آنها ایجاد می‌شود. ملموس و عینی بودن مسائل مرتبط با طبیعت و محیط زیست دلیل خوب و موجهی برای توجه به آنها در این کتابهاست (متخصص شماره ۶).

۳) تقویت تفکر انتقادی: چهار تن از متخصصان از جمله امتیازهای این رویکرد را تقویت مهارت تفکر انتقادی برشمردند که از دید آنها ریشه در ماهیت ملموس این موضوعات دارد.

اساساً آموزش زیست‌محیطی را می‌توان نمونه‌ای بارز از پیاده‌ساختن تفکر انتقادی در آموزش زبان برشمرد. اگر تفکر انتقادی را بر اساس تعریف رایج آن دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون پرسش، تحقیق، فرضیه‌سازی، تفسیر اطلاعات، تحلیل، نتیجه‌گیری و بالاخره حل مشکل بدانیم، عملاً این مؤلفه‌ها به خوبی در مراحل آموزش زیست‌محیطی قابل تطبیق است (متخصص شماره ۵).

۴) یادگیری مشارکتی: عجین شدن این دسته از موضوعات با رویکرد ارتباطی می‌تواند زمینه‌ساز کار گروهی یا یادگیری مشارکتی باشد و آن را تسهیل کند؛ موضوعی که پنج نفر از متخصصان به آن اشاره کردند.

از جمله رویکردهای جدید در بحث آموزش زبان، فراگیری مشارکتی است که از سطوح ابتدایی تا پیشرفته قابل تحقق است. با این وصف، مسائل زیست‌محیطی به دلایلی چون عینی بودن، گسترده بودن، پر بحث و جدل بودن و مخصوصاً چندبعدی بودن موضوع می‌تواند نمونه‌ای مناسب برای فراگیری مشارکتی به حساب آید (متخصص شماره ۳).

این یافته‌ها نشان دادند که عملاً به سبب ماهیت موضوعات مرتبط با این رویکرد، متخصصان به چهار محور مهم از محورهای اساسی آموزش زیست‌محیطی اشاره کردند. این محورها که امتیازهای رویکردهای مسئولانه اجتماعی و به‌طور مشخص رویکرد آموزش زیست‌محیطی برشمرده می‌شوند، در آثار پژوهشگرانی چون جاکوبز و گوتلی (۲۰۰۰)، سمپدرو و هیلپارد (۲۰۰۴)، ریگرووا^۱ (۲۰۱۱) و میلی و پیچی (۲۰۱۷) به خوبی تبیین شده است.

ج) پرسش سوم نیز به انتقادات و کاستیهای این رویکرد اشاره داشت که مهم‌ترین محور آن ایجاد نگرانی یا ناامیدی از زندگی در دنیای پیش روست. البته در این مورد، دو نفر از متخصصان پرهیز در افراط در پرداختن به این موضوعات را مطرح کرده‌اند. به‌طور کلی مهم‌ترین کاستی این آموزش در ایجاد یاس و ناامیدی است که البته متخصصان در این مورد نیز راه‌حلی پیشنهاد کرده‌اند.

یکی از جنبه‌های منفی این نوع آموزش می‌تواند ایجاد نگرانی یا ترسیم شرایطی ناامیدکننده از آینده باشد. درست است که به‌دلیل گستردگی مشکلات زیست‌محیطی انتظار خبر خوب کمتر به ذهن می‌رسد، اما اگر بتوان این مطالب را با خبرهایی امیدبخش تلطیف نمود، یقیناً آموزش آن بهتر خواهد شد (متخصص شماره ۴).

1. Riegerová

این گونه موضوعات ماهیتاً در کنار آگاهی‌بخشی و حساسیت‌آفرینی نوعی نگرانی و ناراحتی را در مخاطب ایجاد می‌کند ... به نظر من در این نوع آموزش باید حس خوش‌بینی و امکان تحقق آینده‌ای بهتر پررنگ شود (متخصص شماره ۵).

طرح این نکته مهم از سوی متخصصان ایرانی، موضوعی است که بارها هم منتقدان و هم حامیان این رویکرد مطرح کرده‌اند. تلطیف فضای کتابها با گنجاندن موضوعات امیدبخش، پرهیز از معرفی صرف مشکل یا بحران زیست‌محیطی و توجه به راهکارهای مناسب و عملی در راستای کاهش آن و ... از پیشنهادهایی هستند که می‌توانند مفید باشند. این موضوع در آثار افرادی چون توماس (۲۰۰۸) بدان پرداخته شده است.

۵) پرسش چهارم به موضوع اولویت مسائل داخلی و خارجی اشاره داشت که پاسخها به‌طور کلی حول این موضوع یعنی توجه توأمان به موضوعات داخلی و خارجی بودند و عبارت‌اند از:

نمی‌توان مسائل داخلی را خیلی متفاوت و منفک از مسائل بیرون دید. بسیاری از مسائل و مشکلات در همه دنیا وجود دارد ... ما هم جزئی از این دنیاییم. بحران آب، گرم شدن زمین، تخریب جنگلها، گسترش آلودگیها، انقراض حیوانات و ... با این حال به نظر من باید موضوعاتی در اولویت باشد که بیشتر ملموس باشد ... موضوعات داخلی می‌تواند نقطه شروعی مناسب باشد (متخصص شماره ۲).

در رویکردهای نوین برنامه‌ریزی درسی به‌طور کلی و مشخصاً در تهیه و تدوین کتابهای آموزشی توجه به موضوعاتی که ریشه در زندگی اجتماعی بشر دارد در اولویت قرار می‌گیرد. اگر قرار است کتابی در گستره بین‌المللی تدریس شود، موضوعات جهانی در اولویت هستند و اگر قرار است مخاطبان به جامعه‌ای خاص تعلق داشته باشند، موضوعات آن جامعه در اولویت است (متخصص شماره ۳).

از جمله موضوعاتی که در رویکرد آموزش انتقادی و نیز رویکرد آموزش زیست‌محیطی به آن اشاره شده توجه به موضوعات داخلی در کنار موضوعات بیرونی است. نسبت و سهم هر یک از این دو بعد به‌طور کلی به مخاطب کتابها و بافت موردنظر اشاره دارد. در این زمینه دیدگاههای اکبری (۲۰۰۸) و نیز نمونه‌های ارائه‌شده سمپدرو و هیلارد (۲۰۰۴) راهگشاست.

۵) پرسش پنجم که به ارزیابی متخصصان این حوزه از کتابهای نونگاشت اختصاص داشت، با ارائه نکاتی قابل تأمل همراه بود. اساساً غالب آنها این کتابهای نونگاشت را که توجهی محسوس به مقوله آموزش زیست‌محیطی داشته‌اند با کتابهای پیشین مقایسه کرده‌اند. همچنین با توجه به مؤلفه‌های آموزش زیست‌محیطی جدای از آگاهی‌بخشی، حساسیت، ارائه دانش و ... نخست بر تقویت بعد مشارکت تأکید داشتند. در مرحله بعد هم پیشنهادهایی درباره آموزش بهتر این

مطالب به‌ویژه گنجاندن آن در بخش‌های آموزش دستور ارائه کردند. در مجموع خلاصه این دیدگاهها عبارت‌اند از:

گرچه انتقادهایی به کتاب‌های جدید دارم اما غیرمنصفانه است تا تغییرات محتوایی و ساختاری آن را در مقایسه با کتاب‌های پیشین نادیده گرفت ... اما مشخصاً درباره آموزش زیست‌محیطی که موضوعی جدید در این کتاب‌هاست، به نظر من انتخاب‌های خوبی شده است. البته ممکن است سؤال شود که عنوان درس یعنی Saving Nature باید محتوایی بیشتر از مطالب این درس را شامل شود ... می‌شد این موضوع را بسط داد ... اما به هر حال موضوع اصلی این درس یعنی حفظ گونه یوزپلنگ ایرانی که با غرور ایرانی عجین شده نمونه‌ای مناسب برای طرح موضوعات زیست‌محیطی است (متخصص شماره ۲).

برای ارزیابی دقیق‌تر موضوع باید به سراغ معلمان و دانش‌آموزان رفت بازخورد گرفت نظراتشان را شنید ... برای خود من تغییرات محتوایی و ظاهری کتاب‌ها جالب بود ... در مورد بخش‌هایی هم که به طبیعت و محیط زیست اختصاص دارند، توجه به نتیجه اهمیت بیشتری از اطلاع‌دهندگی آن دارد ... اگر تنها به ارائه یکسری اطلاعات خلاصه شود و در عمل دانش‌آموز تربیت نشود، این آموزش خیلی سودمند نیست (متخصص شماره ۴).

درس اول کتاب دهم را با دقت بیشتری مرور کردم ... نحوه ورود به موضوع خوب بود ... مؤلفه‌های تصویری آن هم خیلی خوب شده ... با قبل خیلی تفاوت دارد ... اما تمرین‌های بخش دستور ارتباطی مناسب با موضوع ندارد. این یک نقص است. می‌شد که در همان چارچوب درس یا اصلاً با پرداختن به موضوعات دیگر زیست‌محیطی مثل آب، جنگل‌ها و این موارد که همه دنیا و البته ما هم به شدت با آنها درگیریم این تمرین‌ها طراحی شود ... در کتاب تمرین هم می‌توان این کاستی را جبران کرد. اما در مجموع تغییر مثبتی است (متخصص شماره ۳).

با وجود آنکه متخصصان برخی انتقادات به محتوا و ساختار کتاب‌های نونگاشت داشتند، اما در مجموع نگاه مثبت آنها به طرح موضوعات اجتماعی و ملموس غیرقابل انکار بود. در میان محورها و موضوعات این کتاب‌ها، شاهد نگاهی تأییدآمیز به موضوعات زیست‌محیطی وجود داشت که البته با ارائه راهکارهایی ساختاری به‌منظور بهبود آنها همراه بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و جایگاه آموزش زیست‌محیطی در برنامه آموزش زبان انگلیسی، نویسندگان با درک خلأ محسوس این موضوع در پژوهش‌های داخلی در حوزه آموزش زبان انگلیسی به‌ویژه تهیه و تدوین کتاب‌های زبان انگلیسی، ضمن معرفی این رویکرد و پشتوانه‌های نظری آن، تلاش کردند تا به

شیوه‌ای کیفی به سنجش نگرش متخصصان تهیه و تدوین کتابهای زبان انگلیسی در این زمینه پردازند. به‌طور کلی مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش عبارت‌اند از:

الف) با وجود اختلاف دیدگاهها درباره مبانی نظری بهره‌گیری از این رویکرد در برنامه آموزش زبان انگلیسی، همه متخصصان شرکت‌کننده در این پژوهش، جملگی بر این دیدگاه تأکید داشتند که در دنیای معاصر، آموزش زبان انگلیسی در حکم مهم‌ترین زبان بین‌المللی نه یک فعالیت آموزشی صرف، بلکه فعالیتی اجتماعی است که در کنار آموزش زبان، رشد اجتماعی و افزایش آگاهی فردی و اجتماعی فراگیر را باید به همراه داشته باشد. به‌طور کلی، از دید این متخصصان، توجه به این مقوله بیش از پیش در قالب رویکردهای مسئولانه اجتماعی قابل معرفی بوده است.

ب) از دید متخصصان تهیه و تدوین کتابهای درسی، توجه دو رویکرد آموزش جهانی و به‌ویژه آموزش انتقادی به آموزش زیست‌محیطی بیشترین تأثیر را در گنجاندن این مقوله در کتابهای آموزش زبان انگلیسی داشته است.

ج) از جمله پشتوانه‌های مهم نظری که به تقویت دیدگاه بهره‌جویی از آموزش زیست‌محیطی در آموزش زبان انگلیسی بیش از پیش یاری می‌رساند، امکان تحقق‌پذیری و پیاده‌سازی مهارت تفکر انتقادی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در سایه توسل به مؤلفه آموزش زیست‌محیطی در آموزش زبان انگلیسی است. همچنین با توجه به ملموس بودن موضوعات زیست‌محیطی و نیز داشتن ظرفیت ایجاد انگیزه و حساسیت در فراگیران، این نوع آموزش می‌تواند زمینه یادگیری مشارکتی را نیز هموار سازد.

د) با توجه به مؤلفه‌های ششگانه تشکیل‌دهنده رویکرد آموزش زیست‌محیطی، زمینه آموزش مهارت‌های چهارگانه زبان انگلیسی در سطوح مختلف در برنامه آموزش زبان انگلیسی مهیاست. بنابراین استفاده از این نوع آموزش در رویکرد ارتباطی می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

ه) توجه توأمان به موضوعات و مسائل زیست‌محیطی داخلی در کنار موضوعات و دغدغه‌های فراگیر جهانی در چنین برنامه‌ای مورد تأکید بوده است. با توجه به اینکه این دغدغه‌ها و مشکلات در کنار آگاهی‌بخشی و حساسیت‌آفرینی، می‌توانند برای فراگیران تصویری ناخوشایند از دنیای پیرامونشان ترسیم کنند، طرح پیشنهادهایی چون ارائه برخی دستاوردها در راستای حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست همچون توجه به انرژی‌های پاک، محافظت از برخی گونه‌های زیستی و... می‌تواند به تلطیف فضا و خلق امید در فراگیران بینجامد.

و) تجربه بهره‌جویی از این نوع آموزش در تهیه و تدوین کتابهای نونگاشت زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی با نگاه مثبت متخصصان همراه بوده است. ارائه برخی پیشنهادها در راستای کارآمدسازی بیش از پیش این نوع آموزش قابل‌تعبیر است.

داوری، حسین و آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۳). آموزش انتقادی: رویکردی کارآمد در تهیه و تدوین کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در ایران. *مطالعات برنامه درسی*، ۹ (۳۳)، ۱۵۱-۱۷۸.

داوری، حسین؛ خیرآبادی، رضا و علوی مقدم، سیدبهنام. (۱۳۹۷). بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های نوانتشار یافته زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی کشور. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۹ (۳)، ۸۵-۹۸.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

Akbari, R. (2008). Transforming lives: Introducing critical pedagogy into ELT classrooms. *ELT Journal*, 62(3), 276-283.

Bartlett, S., Burton, D., & Peim, N. (2001). *Introduction to education studies*. London: Paul Chapman Publishing.

Brinton, D. M., Snow, M. A., & Wesche, M. B. (1989). *Content-based second language teaching*. Rowley: Newbury.

Cates, K. (1990). Teaching for a better world: Global issues in language education. *The Language Teacher*, 14, 3-5.

Davari, H., & Iranmehr, A. (2019). Critical pedagogy in textbook development: A comparative study of the previous and the New Iranian high school English language textbooks. *Iranian Journal of Comparative Education*, 2(3), 324-345.

Díaz - Pérez, J. (2013). Introduction. In F. J. Díaz-Pérez, M. B. Díez-Bedmar, P. García-Ramírez, & D. R. Moreno (Eds.), *Global issues in the teaching of language, literature and linguistics* (pp. 7-14). Peter Lang AG, Internationaler Verlag der Wissenschaften.

Donlon, B. (Ed.). (1996). *The JET environmental action guide*. Tokyo: Association for Japan Exchange and Teaching.

Dörnyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics: Quantitative, qualitative, and mixed methodologies*. Oxford: Oxford University Press.

Ernst, A. (2003). *Comparison of qualitative and quantitative research*. GRIN Verlag.

Gibbs, G. R. (2018). *Analyzing qualitative data*. Sage Publications.

Guest, G., MacQueen, K. M., & Namey, E. E. (2012). *Applied thematic analysis*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Gürsoy, E., & Sağlam, G. T. (2011). ELT teacher trainees' attitudes towards environmental education and their tendency to use it in the language classroom. *Journal of International Education Research (JIER)*, 7(4), 47-52.

Jacobs, G. M., & Cates, L. (1999). *Global education in second language teaching*. *KATA*, 1(1), 44-56.

Jacobs, G. M., & Goatly, A. (2000). The treatment of ecological issues in ELT coursebooks. *ELT Journal*, 54(3), 256-264.

Jacobs, G. M., Kumarasamy, P., Nopparat, P., & Amy, S. (1998). *Linking language and the environment: Greening the ESL classroom*. Toronto: Pippin.

Jacobs, G. M., Lie, A., & Amy, S. (2006). An Indonesia example of teaching English via environmental

- education. In S. Mayer, & G. Wilson (Eds.), *Ecodidactic perspectives on English language, literatures and cultures* (pp. 45-62). Trier, Germany: Wissenschaftlicher Verlag Trier.
- Johnson, D. C. (2011). Critical discourse analysis and the ethnography of language policy. *Critical Discourse Studies*, 8(4), 267-279.
- Kumaravadivelu, B. (2012). Individual identity, cultural globalization and teaching English as an international language: The case for an epistemic break. In L. Alsagoff, S. L. McKay, G. Hu, & W. A. Renandya (Eds.), *Principles and practices for teaching English as an international language* (pp. 9-27). New York: Routledge.
- LeCompte, M. D., Preissle, J., & Tesch, R. (1993). *Ethnography and qualitative design in educational research* (2nd ed.). Emerald Publishing.
- Leicht, A., Heiss, J., & Byun, W. J. (2018). *Issues and trends in education for sustainable development*. UNESCO Publishing.
- Maley, A., & Peachey, N. (Eds.). (2017.) *Integrating global issues in the creative English language classroom: With reference to the United Nations sustainable development goals*. British Council.
- Rao Hill, S., & Perry, C. (2003). Convergent interviewing to build a theory in under-researched areas: Principles and an example investigation of Internet usage in inter-firm relationships. *Qualitative Market Research*, 6(4), 236-247.
- Riegerová, J. (2011). *Environmental education in English lessons*. (Unpublished bachelor thesis). Masaryk University Brno.
- Rubin, H. J., & Rubin, I. S. (2005). *Qualitative interviewing: The art of hearing data*. Sage.
- Sampedro, R., & Hillyard, H. (2004). *Global issues*. Oxford: Oxford University Press.
- Sterling, S. (2001). *Sustainable education. Re-visioning learning and change*. Green Books.
- Templer, B. (2012). Changing the world, walking the talk: Global issues hands on in the EFL classroom. *BETA Conference*, Ruse/Bulgaria.
- Thomas, J. (2008). *Global issues in the ELT classroom*. Brno: *Společnost pro Fair Trade*.
- Tsuda, T. (Ed.). (2006). *Local citizenship in recent countries of immigration: Japan in comparative perspective*. Lexington Books.
- Zarin Shoja, E. (2012). *Mother nature's tongue: Foreign language education for environmental consciousness*. LAP Lambert Academic Publishing.

پیوست یک

مراحل کدگذاری در تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی

ردیف	نمونه جملات کلیدی مصاحبه‌ها	کدها	زبرمقوله‌ها	موضوعها
۱	<ul style="list-style-type: none"> ... البته که شاید مهم‌ترین مشخصه ایجاد آگاهی در خواننده باشد ... اساساً چون این موضوعات خیالی نیستند و واقعی‌اند خود به خود نکات مثبت و البته واقعی درباره طبیعت دارند... این موضوعات نه فقط برای بچه‌ها که برای معلمها آموزنده‌اند و ایجاد حساسیت می‌کنند ... وقتی موضوع درس و کتاب این مسائل باشد در این فضای جدید معلم هم به اهمیت آن پی می‌برد چون موضوعاتی عینی است ... این موضوعات نوعی تلنگر است برای آگاه کردن افراد از طبیعت و وضع دنیای امروز ... 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش آگاهی نسبت به موضوع در بین دانش‌آموزان ارائه نکات آموزنده نسبت به موضوع آگاه ساختن معلمها نسبت به اهمیت موضوع اطلاع و حساسیت توأمان در معلم و شاگرد هوشیار ساختن مخاطب نسبت به اوضاع طبیعت 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی در فراگیران آگاهی در معلمان افزایش هوشیاری 	آگاهی بخشی
۲	<ul style="list-style-type: none"> ... علاقه به طبیعت و محیط زیست به جورایی ذاتی است و ... این طور موضوعات هم به دلیل اهمیت و هم تأثیر بر زندگی حال و آینده انگیزه دنبال کردن را داره ... وقتی آموزش زبان با محتوای موضوعات جذاب و واقعی باشه، منظور موضوعاتی که به چشم می‌بینیم و می‌شنویم، آموزش هم تسهیل میشه... ... در بین موضوعات محیط زیستی بعضی نسبت به برخی دیگه جذاب‌ترند یعنی مخصوصاً اگر تکراری و خیلی منفی نباشند ... وقتی مثلاً موضوعی انتخاب میشه مثل حفاظت از یوزپلنگ ایرانی خب نوعی غرور ملی و منحصر به فردی در این موضوعات هست که انگیزه و علاقه در مخاطب به همراه داره ... هم موضوعات مهم و جالبی است معمولاً و هم محتوا یا کانتنت زبانی خوبی دارد و هم زمینه دنبال کردن را دارد 	<ul style="list-style-type: none"> جاذبه داشتن موضوعات زیست‌محیطی انگیزه برای دنبال کردن موضوع علاقه‌مندی به یادگیری زبان به دلیل ملموس بودن موضوعات جلب توجه کردن به دلیل اهمیت موضوعات 	<ul style="list-style-type: none"> جذابیت برای دانش‌آموز انگیزه برای پیگیری افزایش علاقه‌مندی 	ایجاد علاقه

موضوعها	زیرمقوله‌ها	کدها	نمونه جملات کلیدی مصاحبه‌ها	ردیف
تفکر انتقادی	<ul style="list-style-type: none"> تقویت پرسشگری تفسیر و تحلیل مشکل‌گشایی 	<ul style="list-style-type: none"> برانگیختن سؤال در ذهن درباره دلایل مسائل زیست‌محیطی درگیر کردن ذهن به دلیل مهم بودن موضوعات قابلیت تفسیر اطلاعات مطابقت دادن داده‌ها با اطلاعات و اخبار بیرونی ارائه راهکارهای خلاقانه برای حل مشکلات 	<ul style="list-style-type: none"> ببینید چون اساساً با زندگی و آینده بشر پیوند خورده و همه به نحوی از آن اطلاعاتی دارند، ذهنها درگیر میشه، سؤالاتی در ذهنها می‌آید... اطلاعات بیرونی و زمینه‌ای و همچنین بعضاً تجربیات شخصی سبب شده تا پرسشهایی درباره علت و یا حل این مشکلات شکل بگیره... چون طرح این موضوعات با ارائه داده و اطلاعات همراهه خوب در صورتی که نحوه ارائه آموزش مناسب باشد فرد را به تحلیل و تفسیر وا می‌دارد ... این موضوعات چون در اخبار و محیط بیرون هم دنبال میشه چون فرد زمینه دارد به نحوی داده‌ها در کنار هم قرار می‌گیره و برای آموزش زبان هم مفیده 	۳
یادگیری مشارکتی	<ul style="list-style-type: none"> کار گروهی دانش آموز محور 	<ul style="list-style-type: none"> توجه به کار گروهی به منظور بحث درباره موضوع مناسب بودن موضوعات برای کارهای تیمی فعالیت محور بودن تمرینها درگیر کردن بیش از پیش دانش آموزان با موضوعات و سپردن بخشی از آموزش به او مناسب بودن با رویکرد ارتباطی 	<ul style="list-style-type: none"> ... این موضوعات و تمرینها و فعالیت‌های چه کلاسی و چه بیرونی زمینه خوبی برای کار تیمی است... ... به هر حال در این سطح هر کسی اطلاعاتی دارد و با توانایی نسبی زبانی می‌تواند در بحث مشارکت کند ... مخصوصاً در رویکردهای تکلیف - محور یا فعالیت - محور در مهارت‌های نوشتاری و صحبت امکان مطلوبی است ... به نظرم یکی از بهترین زمینه‌ها برای پیاده کردن رویکرد ارتباطی همین موضوعات است... اگر به خوبی ارائه شود و تمرینهای خوبی تدوین شود برای رویکرد ارتباطی که کلاس را درگیر کند و تولید زبانی اهمیت خاصی دارد، خیلی مفید است. 	۴